

EARTH'S MIGHTIEST HEROES

MARVEL

32

LGY#732

AARON
McGUINNESS
MANNA
KEITH

THE AVENGERS



دورنامه
dornname.ir

ENCLOSURE! + JASON!
MORALES

... آنها سرودهای مقدس دریایی
را می سرایند که قدیمی تر از زمانی
هستند که موجودی بتواند شنا کند...

... سرودهای نمکین که گفته می شود
آنقدر قدیمی هستند که موجودات زیر
آب آنها را از لویتان ها آموخته اند.

... از باغ های کاموو تا دژهای
آب های عمیق تاکور قدیمی...

روزی که اون تاجگذاری کرد،
بر شاخ های صدفی ارکستر آبی
طوری می دمیدند که در اعماق
آب ها طنین انداز شده بود...



راهب بزرگ ورطه و راهبان خلوت گزین
او از دیری در سیاه ترین نقطه اعماق اقیانوس
آمده بودند که در زیر کوه های زیردریایی
نیتون قرار داشت. آمده بودند تا نوحه های
اژدهای دراکون را سر بدهند و نعمات خود را
به همه ببخشند.

تمامی بچه های آبی خندان سوار بر
اسب های کوچک دریایی از میان تالارهای
قصرهای مرجانی مسابقه می دادند، و
کل اقیانوس را با صدای خنده های خود
پر می کردند.

لشکریان قدرتمند و مغرور بودند، کوسه سواران
تیراندازان ماهی های بادشو و تیپ زرهی
خرچنگ های غول پیکر شکوه آن ارتش را
چند برابر کرده بودند.

جنگل های کتانچک و باغ های
جلبکی به وفور وجود داشتند.

هر زنی که در زیر امواج اقیانوس
زندگی می کرد تمایل داشت تا
در این شرایط کودک خود را به
دنیا بیاورد.

روز خوبی برای پادشاهی
آتلانتیس بود.

ولی این مربوط می شد
به دوران های خیلی قدیمی

الان جنگل های کتانجک در حال
کوچک شدن بودند و باغ های
صخره های دریایی زرد و قهوه ای
شده بودند.

بچه های آتلانتیس در
آلودگی های پوشیده از
روغن از ترس خود مخفی
شدند.

ارتش زیردریاهای تحلیل رفته است به همان
شکلی که غرورشان افت کرده است، این
در حالی است که تهدیدهای بربرهای کف
دریا و دزدان لمورین بیش از پیش شده.

این بدون احتساب تهاجم های متجاوزان
هوازی از دنیای بالاست...همینطور غارتگران
شرکت های راکسون انرژی.

که به مردمان ساکن در اعماق دریاها
اعلان جنگ کرده اند و از انحرافات
سایبرنتیکی خود برای گشتار استفاده
می کنند.

در برخی از روزهای سرخ
به رنگ خون در دریا...

...مسائل به شکلی پیش
می‌ره که حتی پادشاه
هم عصبی می‌شه.

کودال های ماریانا
هفت مایل پایین تر
پایین ترین ناحیه کف دریا

سالن دیوی جونز
عمیق ترین بار در دنیا

یه نوشیدنی
بلاک فیش
دیگه.

خیلی
شور باشه.

پادشاهی
غالب لعنتی.

روز سختی
در حکمرانی هفت دریا
بوده، عالیحضرت.



خون دلفین ها و جودم
رو مرطوب کرده. محاصره
شرکت های نفتی و دولت های
خارجی تعارض بزرگی رو
ایجاد کرده.

در حالیکه
برای دفاع از مردمان
خودم باید...



"...ناخوشایندترین
عناصر... پادشاهی من."



با کسی
متحد بشم که
دست کمی از به
تجاوز تمام عیار
دنیای
سطح نداره.

همه تشنه جنگ
هستند. دنیای بالا و
پایین. برای اولین بار نیمور
تنها عامل کنترل
است.

ولی شاید من
دارم از امری اجتناب ناپذیر
و خونین جلوگیری می کنم.
شاید باید چیزی که دنیا
می خواد بهش بدم.



شاید باید
همینطور
بشه.

ولی شاید
نباید با کل
کل دنیای سطح
بجنگی.

اگه در ارتش من افراد بیشتری با عقل تو بودند، نیازی به مدافعان آب های عمیق نبود.

بسیار خوب.
حرفت رو بزن. تو ترجیح می دی نیمور با کدوم گروه بجنگه؟

مواظب زبونت باش. من اومدم اینجا تنها باشم نه دریافت مشاوره.

با تمام احترامی که برای شما قائلم، من طوری بار اومدم که نظرات خودم رو بیان کنم. و تا زمانی که آب در آبشش دارم و نمک دریا در خونم، همین کار را خواهم کرد.

علیه کسانی که همه این ماجراها رو شروع کردند... با تجاوز به پادشاهی شما، و با اون متجاوزان راکسون همکاری کردند.

همون هایی که همیشه طرف ساکنان دنیای سطح رو خواهند گرفت، و پراشون مهم نیست که چه بلایی به سر ما میاد. مخصوصاً زمانی که یک واکاندایی زمام امور رو بر عهده داره.

انتقام جویان ارباب من. آتلانتیس علیه قویترین قهرمانان زمین وارد جنگ بشه.

باور کن... پادشاه تو خیلی از این نگرانی ها رو داره. ولی ما قدرت کافی نداریم.

مگر اینکه همه مدافعان خودم رو آزاد بذارم... و واقعاً از خودم منفکشون کنم...

ولی نه، اینطوری خیلی تلفات به بار میاد. برای همه. اگه قرار باشه سراسر هفت دریا به رنگ خون در بیاد، ترجیح می دم از تاج و تخت کناره گیری کنم.

پس شاید لازم نباشه فقط روی مدافعان خودتون حساب کنید.

سرتون رو از آب ها بیرون کنید تا متوجه بشید که دشمنان انتقام جویان خیلی بیشتر از اهالی آتلانتیس هستند.

بگید ببینم... تا حالا در مورد پادشاهی خون آشام ها چیزی شنیدید؟

اوکراین
منطقه متروک
چرنوبیل

برید! اجساد
نامرده خودتون رو
از این محل رها کنید!
شما اینجا ناخوانده
هستید!

اینجا هیچ
پادشاهی خون آشامانی
وجود نداره! اینهمه راه اومدید
بخاطر یه سری دروغ،
زباله گردهای بدبخت!

شاه
دراکولا مرده!

و تو هم
بزودی خواهی مرد
دندون نیشی، اگه زودتر
برای خودت پناهگاهی
پیدا نکنی.

کل شب اینجا
زانو زدید. هنوز متوجه
نشدید؟ حرارت رو روی وجود
بی ارزشتون حس
نمی کنید؟

خورشید
داره طلوع
می کنه.

می تونید به
سمت سایه فرار کنید
یا اینجا زانو بزنید
و کباب بشید!

ولی اینو
بدونید...هیچکدوم
از شما نخواهد تونست
قدم به تابوت های سنگ
آهکی ما بذار!



بیشتر از
دیروز خبر پخش
شده. چه تعداد به
سمت جنگل ها
فرار کردند؟

به اندازه ای
هستند که موش های
بمب افکن مجهز به
نارنجک رو مشغول
کنند.

و دیگران؟
چقدر اونها رو بصورت
زانو زده نگه می دارید
تا درها رو باز
کنید؟

مردم ما
ضعیف شدند و
به شکاری آسون
تبدیل شدند.



برای ایجاد
ملتی جدید از
جنس سایه ها، ما
به افراد قوی نیاز داریم.
افراد وفادار و
پر شور.

و تنها
زمانی که بوی
سوخته اون قدرت رو
از اینجا حس
کنم...



"...این خون آشام ها جایگاهی در پادشاهی من
خواهند داشت و اجازه خواهند یافت در برابر ارباب
ملعون خودشون زانو بزنند.

"نظر دراکولا بر اینه."

GRRRRRGCH!!



خوش اومدید،
برادران و خواهران
جدید من.

بیایید.



سر سفره
خانواده خود
باشید.



اونها کافی
نخواهند بود. حتی
ارتشی از خون آشام های
ترسیده کافی نخواهند
بود.

ببخشید
بارونس خون؟

انتقام جویان هنوز
بلید رو در بین مقامات
خودشون جا دادند. اونها ما
رو اینجا پیدا می کنند و این
ملت نوپا رو در نطفه خفه
می کنند. اونها ما رو مثل
قبل پرپر می کنند و به
باد می سپارند.



شما آزادید تا هر
لحظه که خواستید اینجا
رو ترک کنید بانوی
خون. ترجیحا تا زمانی
که خورشید بالا و
پرنوره.

ملت ها به متحد علیه دشمنانشون نیاز
دارند. انتقام جویان دشمنان زیادی
دارند. ما به متحد نیاز داریم. شاید
هر دو یکی باشند.

می تونم پرسم
شما پیشنهاد می کنید
این متحدان رو علیه دشمن
مشترکمون از کجا پیدا
کنیم؟

مسکو
مقر نگهبان زمستانی

خوش آمدید
نگهبانان، از اطلاعاتی
که دریافت شده و من از
آنها مطمئن هستم، عملیات
میهن پرستانه و پرنوروی در راه
حفاظت از سرزمین مادری
بوده!

به نمایندگی از
چندین نسل انسان های
سازش ناپذیر روس بخاطر عملیات
قهرمانانه شما رد ویدو ازتون
قدردانی می کنم.

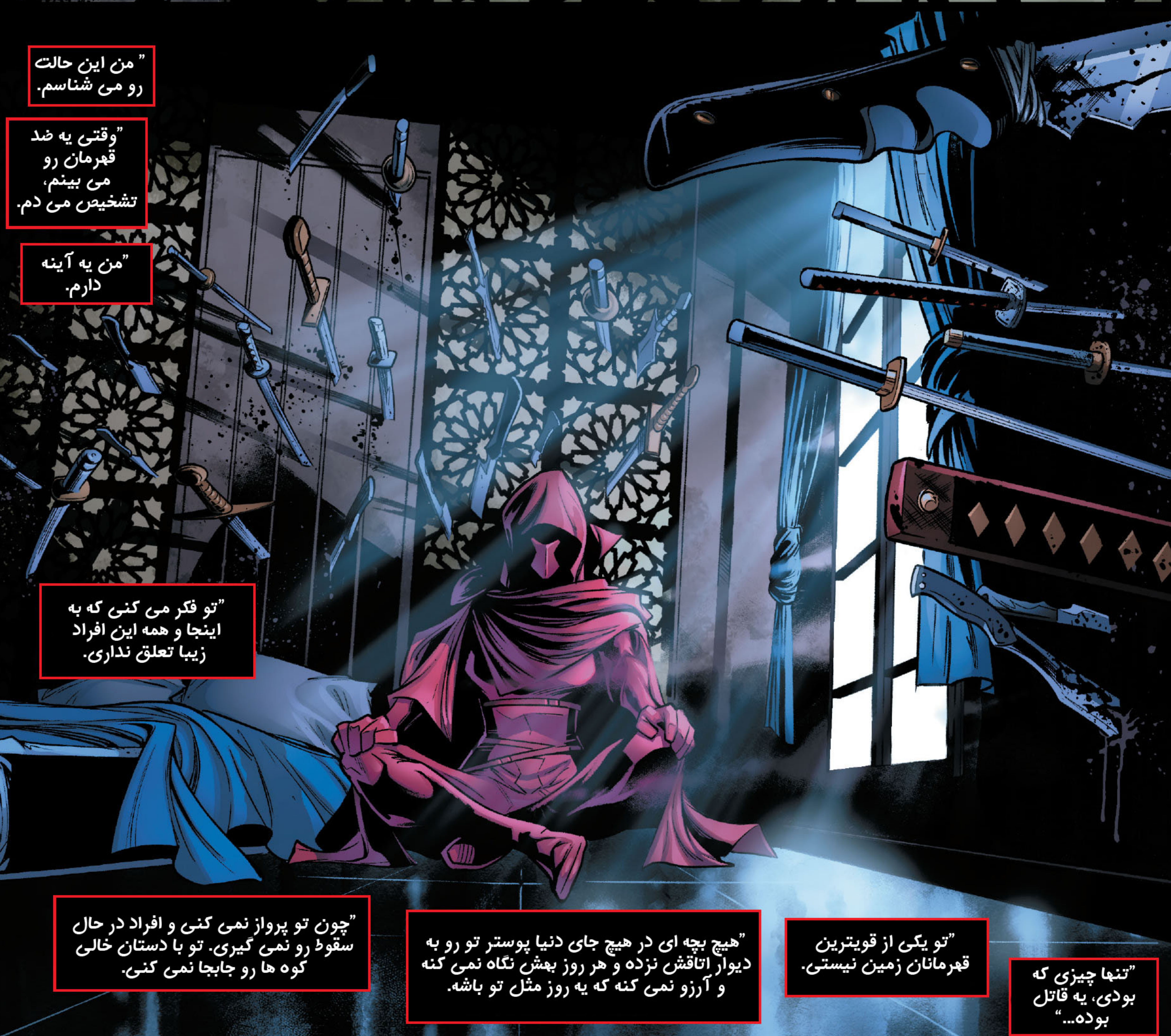
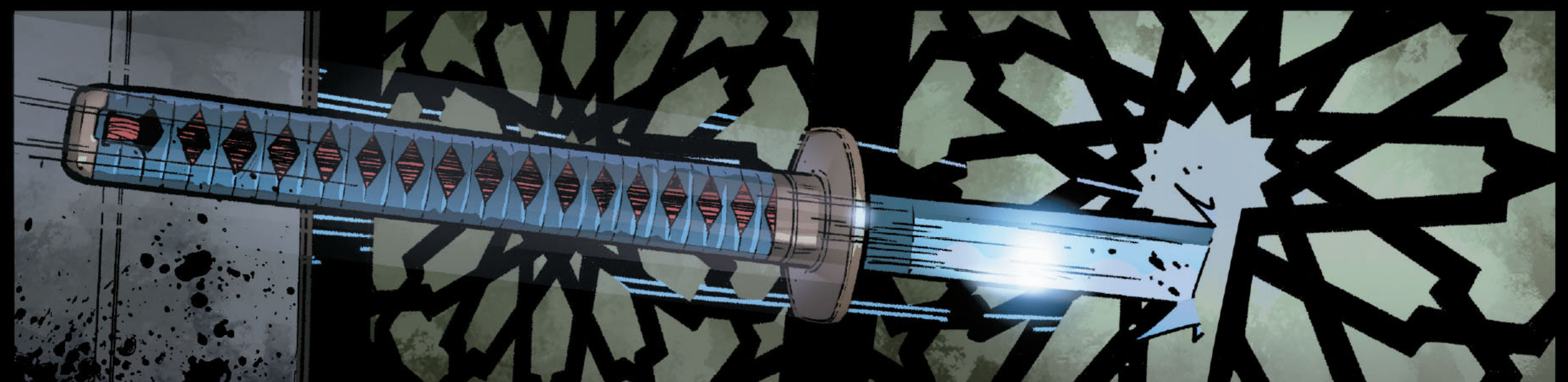
آیا امور معمول
پس از مأموریت خودتون
رو نیاز خواهید داشت؟ وان شیر
گرم رو براتون آماده کردم. و
خاویار هم آماده است.

مگر اینکه
خرس اول برسه
اونجا.

کافیه.

همینطور می تونم
علیه انتقام جویان کمک
کنم.







...و تو فکر می کنی از وقتی که بخواهی برگردی و کاری رو انجام بدی که درش بهترینی خیلی دیر شده.

کوهستان اختتام جویان قطب شمال



تو توی ابرها راه می رفتی، ولی الان وقتشه که برگردی به غارها، جایی که فکر می کنی بهش تعلق داری.

دنیا داره فریاد می زنه که این کارو بکنی.

هیولاهای پلید و نابخشودنی اون بیرون هستند که شدیداً دنبال این هستند که برگردی و یه شمشیر فرو کنی تو سرشون.

می دونم تو منو نمی شناسی، ولی من تو رو می شناسم بلید.

و ما تونستیم تو فضا جون همدیگه رو نجات بدیم، پس ازت انتظار دارم کمی حرفه منو باور کنی وقتی بهت می گم...



...ثرو.

همفف. خانمی
اینو می که که داره اینجا
رو ترک می کنه.

من هیچوقت
انتقام جویان رو ترک
نمی کنم. البته نه برای
مدتی طولانی.

ولی اولین باری
که به جمعشون دعوت شدم،
به عنوان یه متحد، نمی تونستم
نگاهاشونو تحمل کنم.

از اینکه
فکر کنم ارزش نفس کشیدن
در هوایی که اونها استنشاق می کنند
رو دارم، از خودم متنفر
می شدم.

می خواستم
فرار کنم... و سرم رو تو
خون پنهان کنم، یعنی جایی
که بهش تعلق داشتم.

خون هواییه
که توش نفس
می کشم.

واز چیزهایی
که می تونم بگم اینه
که بلکه ویدو، ابرها خیلی خوب
تحت الحفظ هستند. ولی مراقب
غارها بودن از اینجا خیلی
سخته.

اینجا کوهستان
انتقام جویانه. فکر کنم از
یک دهم کارهایی که این کوهستان
می تونه انجام بده خبر ندارم. و این برام
کافیه که خودمو متقاعد کنم که از
اینجا می شه به همه جا
مسلط شد.

بمون. و
بخشی از دفاع
از همه اینها
باش.

این نصیحت رو از
یه جاسوس کهنه کار روس
بپذیر. از تمام چیزهایی که حس
خونه رو می ده دور موندن و حس
بودن در خونه رو داشتن زندگی
نیست.

نه برای همیشه.
نه حتی برای یه
خون آشام.

سیستم تاکسی جهانی
واگاندایی فعال شد.
کجا می خواهید برید
خانم رومانوا؟

می خوام یه
کم برگردم به زمین
متاسفانه.

اونها می خوان اینجا باشی بلید. اونها
بهت نیاز دارند. پس یه انتقام جو باش.
تو بخوبی این حق رو کسب کردی.

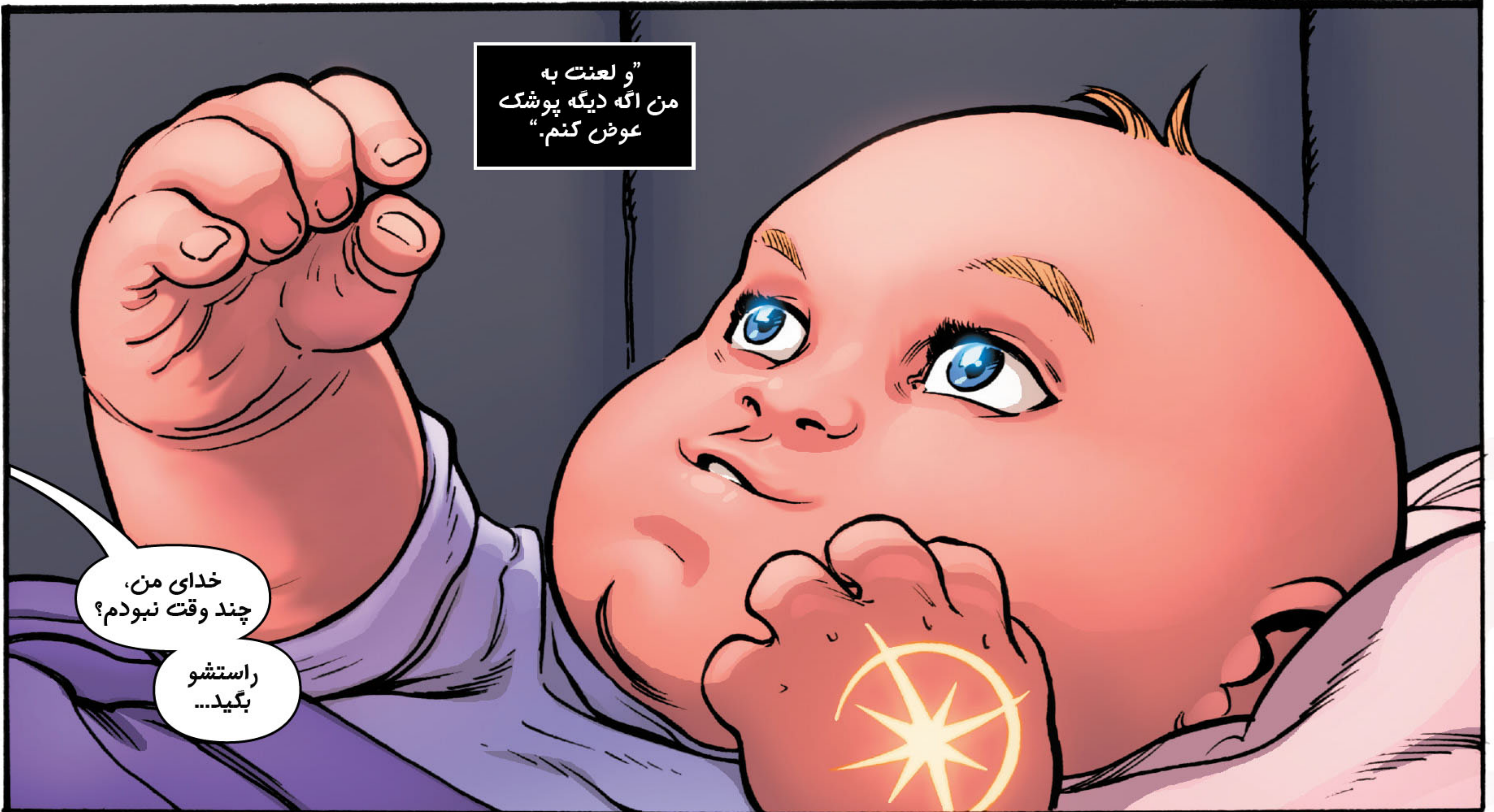
”حالا به بقیه اونها این شانس رو بده که این
حق رو برای خودشون کسب کنند... تا برای همیشه
برادران و خواهرانت باشند.“

مرررر.

تو هم همین
نظرو داری
بوی ثینگک؟

باشه.

ولی اولین کسی
که به من گفت ”برادر“
جای نیش دندان ها رو
صورتش نشسته.



”و لعنت به
من اگه دیگه پوشک
عوض کنم.“

خدای من،
چند وقت نبودم؟

راستشو
بگید...



...اون مال منه؟ مال
منه، مگه نه؟

اون خانم فضایی وضعیتش
رو مشخص نکرد. یعنی من
هم یه استاربرند هستم؟

نه استارک.
این بچه تو نیست.

ولی اون زن...
الان بخشی از همه
ماست.



ما نتونستیم
کاری برای مادرش انجام
بدیم. من که خیلی بد شکست
خوردم. به عنوان پدر آزگارد. در نقش
یه انتقام جو. وقتی بیشتر از همیشه
به وجودم نیاز بود درگیر الودگی
یه برود شدم.

خدایان منو
ببخشند. ولی من
هنوز دلم گوشت فضایی
خام می خواد.

ولی انتقام جویان از
این استاربرند جوان محافظت
می کنند. من با تمام نیروی
حیاتی خودم ازش محافظت
خواهم کرد. قسم
می خورم.

ثور...
پدرخوانده تو
خواهد بود کوچولو.



پس الان
پرستاران بچه کیهانی
هستیم، درسته؟ این عجیب ترین
چیزی نیست که این هفته
دیدم.

تو گفتی در
زمان کم شدی؟ حالا
بگو ببینم تو گذشته های
دور با چه مصیبت هایی روبرو
شدی برادر استارک؟

بذار یه روز دیگه
با این توپ بازی
کنیم، بابایی.

وقتی
که حال خودتو
نبینی و متوجه
گریه من
نشی.

فقط...
می خوام یه بار دیگه
خودم باشم. فقط می خوام
دوباره برگردم سر کار. پس
یادم بنداز...

«...اون بیرون کیه که
باید با مشت بزنیمش؟»

بله قربان.
می فهمم، قربان. موافقم
قربان.

بله، متوجه پتانسیل
موجود در متحد کردن دشمنان
انتقام جویان علیه اونها
هستم.

فقط نمی دونم
چطور گزینه های دوراز ذهنی
مثل نیمور و دراگولا رو چطور
کنار هم قرار دادید. گنجاندن
روس ها در معادله که
جای خود داره...

قربان، نظرتون
این نیست که
اسکادران من تمایلی
برای...

بله، البته
قربان. اسکادران
شما.

نه، قربان.
قصد جسارت
نداشتم...

بله قربان،
من حس مردن رو به
یاد دارم. به روشنی. و
بهتون اطمینان می دم
قصد ندارم...

رئیس
کالسون؟ منتظر
شما هستند.

می بخشید
قربان. من باید
برم.

بله،
امروزه.

بله قربان،
حتماً سلام شما
رو بهشون
می رسونم.

بله
قربان.

حق با شماست
قربان. ممنونم قربان.
قربان، می خواستم یه بار
دیگه بخاطر بخاطر چیزهایی که
قبل از این اتفاق افتاد عذرخواهی
می کنم و می خوام بدونید
و اطمینان داشته باشید...

”که می تونید روی اسکاادران برتر
آمریکا حساب کنید. تحت هر شرایط
ممکن.

”بله، قربان. عالی به نظر
میاد. خدا حفظتون کنه
قربان. خدا حافظ.“

ممنون
از شما!

قویترین قهرمانان
آمریکا از شما ممنونیم



و خدا
آمریکارو
حفظ کنه!

”کارتون خوبه، مأمور کالسون.
نذارید از بابت عبور قاچاقی
شما از جهنم پنجمون بشن. نه
زمانی که بازی تازه شروع
شده.“

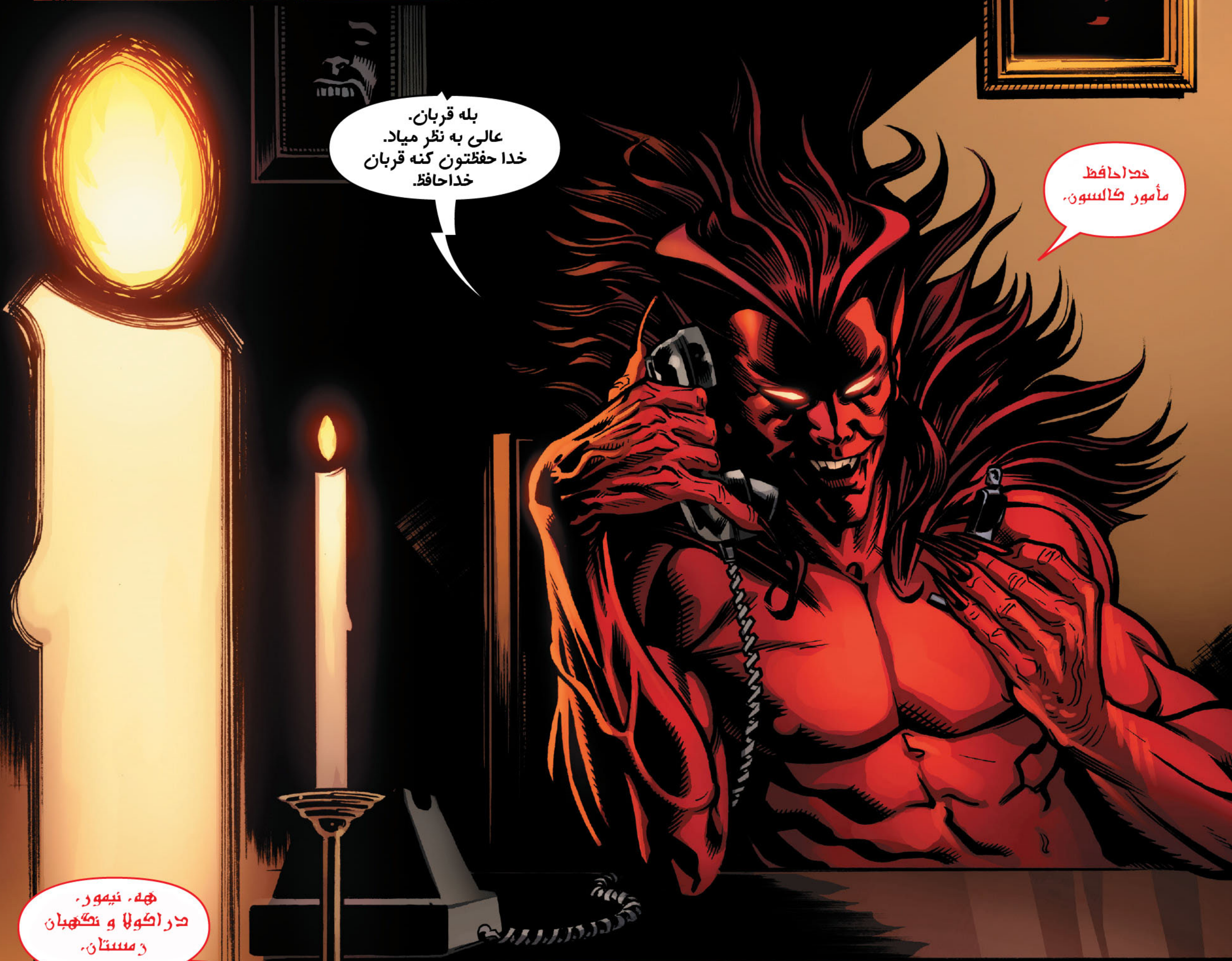




حق با شماست
قربان. ممنوم قربان.
قربان، می خواستم به بار دیگه
بخاطر... بخاطر چیزهایی که قبلا اتفاق
افتاد، عذرخواهی کنم و می خوام
بدونید و اطمینان داشته
باشید که...

... که می تونید
روی اسکادران برتر
آمریکا حساب کنید.
تحت هر شرایط
ممکن.

هه، سوختن
به دنیا (تفاقیه که خواهد
افتاد، سوختنی در طول (مصار
مختلف،



بله قربان.
عالی به نظر میاد.
خدا حفظتون کنه قربان
خدا حافظ.

خدا حافظ
مأمور کالسون.

هه، نیمور.
در اکولا و نگهبان
زمستان.

کالسون عزیز
باور نداره که اونها با
هم کار خواهند کرد. اون
متوجه نیست که...



...همین
الان هم وضع
همونه.

”اصلاً خبر
ندارند.”

”حتی از محدوده آتشین
قفسم، که به ظاهر
امکان آسیب رساندنم
نزدیک صفره.

”چون تأثیر
مقیستو حد و
حصر می شناسه.

”از قفسی که حتی
تلاش می کنم
فرار کنم. چرا باید
چنین تلاشی کنم؟

”شیطان وقتی
شیطانی تره که مورد
احترام باشه.”

و اوه، چقدر
مورد احترام شدیم.

”هه. به نظرم
اون ضرب المثل
قدیمی راست
می گه.”

پادشاه آتلانتیس فکر می‌کند که حق با اون مسئول باره.

می‌دونستم که صدای منو خواهی شنید.



پادشاهی اون به متحدانی نیاز داره که ضد انتقام-جویان باشند.

همیشه تونستم بخش کوچکی از شما رو حس کنم... که هنوز در پس ذهن من سوسو می‌زنه.

ملاقات ما خیلی... مختصر بود. و فاقد جعتی خاص.

ولی نه خون آشام‌ها و روس‌ها. نه.

می‌دونم تو بیشتر می‌خواهی.

هر چی بخوای بهت می‌دم.

تمام اجزای خودم رو به تو خواهم داد.

چیزی... بسیار بزرگتر.





آتشین تر.

”نزد من بیا
فینیکس.

”کمک کن تا
انتقام جویان رو به
خاکستر تبدیل کنم.

”و من کهکشان ها رو
برای تو به آتش خواهم
کشید.“



EARTH'S MIGHTIEST HEROES

MARVEL

32

LGY#732

AARON
McGUINNESS
MANNA
KEITH

THE

AVENGERS



دورنامه

dorname.ir

CHICK 19! + JASON!
MORANES